

مصوب نشست میان دوره ای جنبش جمهوری خواهان دموکرات و لائیک

ما خواهان برقراری جمهوری مبتنی بر آزادی، دموکراسی، عدالت اجتماعی و جدائی دین و دولت هستیم. وسیله نهائی و دموکراتیک برآوردن این خواست، تشکیل مجلس مؤسسان از طریق انتخابات آزاد به منظور تدوین قانون اساسی جدید است. تحقق این فراخوان، در عمل و در میدان واقعیت اجتماعی، بی تردید به توازن قوا میان نیروهای درگیر بستگی دارد. از همین رو تداوم جنبش کنونی، کمک به زنده نگه داشتن آن و پیوند آن با جنبش های اجتماعی، نقش بسزائی در شکستن مقاومت و تعرض نیروهای واپسگرای حافظ نظام کنونی خواهد داشت. پیشبرد این مبارزه طولانی در گرو همگرایی همه نیروهای آزادیخواه و دموکرات میباشد. جنبش جمهوری خواهان دموکرات و لائیک به سهم خود در این راه با تمام توان خواهد کوشید.

نشست میان دوره ای جنبش جمهوری خواهان دموکرات و لائیک ایران طی روز های ۷ تا ۱۹ اسفند (۲۶ تا ۲۸ فوریه) با شرکت ۴۰ نفر از همراهان در شهر هانوفر در خانه کارگاه برگزار شد.

دستور کار نشست:

- ۱- گزارش شورای هماهنگی و واحد های محلی در مورد فعالیت ها، بحث و بررسی مسائل و مشکلات شورا و راه یابی برای بیرون رفتن از آنها،
- ۲- بررسی تحولات سیاسی طی ۸ ماه گذشته در ایران، بررسی و تحلیل جنبش گسترده اعتراضی مردم
- ۳- بررسی سایت "ندای آزادی"، و راه یابی برای بهبود آن،
- ۴- بررسی امکانات همکاری ها و اتحادها برای گسترش فعالیت های متشکل اپوزیسیون جمهوری خواه،
- ۵- تدارک چهارمین گردهمآئی سراسری جنبش جمهوری خواهان دموکرات و لائیک ایران.

طی این دو روز در یک محیط بسیار دوستانه این مسائل مورد بحث و گفتگو قرار گرفت و قطعنامه هائی در این موارد به تصویب همراهان رسید.

نتایج نشست میان دوره ای در طول دوهفته آینده منتشر می شود.

در ضمیمه بیانیه سیاسی مصوبه نشست میان دوره ای جنبش جمهوری خواهان دمکرات و لائیک ایران در مورد وضعیت سیاسی جنبش گسترده اعتراضی مردم را به اطلاع می رسانیم.

شورای هماهنگی جنبش جمهوری خواهان دمکرات و لائیک ایران

دوشنبه ۱۰ اسفند ۱۳۸۸ برابر با اول مارس ۲۰۱۰

مصوب نشست میان دوره ای جنبش جمهوری خواهان دموکرات و لائیک

۱- جنبش مردمی گسترده ای که در اعتراض به تقلب انتخاباتی از ۲۲ خرداد ماه امسال و با شعار « رأی من کو » و خواست « ابطال انتخابات » آغاز شد، اینک پس از گذشت بیش از هشت ماه با شعارهای ضد ولایت فقیه و ضد دیکتاتوری به یک جنبش تاریخی مدنی گسترده فراروئیده که پایه های نظام استبداد مذهبی حاکم بر کشور را به لرزه درآورده است. این جنبش سیمای جامعه ما را هم در داخل و هم در عرصه بین المللی و افکار عمومی جهانیان دگرگون کرده است.

۲- خودکامگان حاکم که با گشودن نسبی فضای کارزار انتخاباتی، در چند ماه آخر پیش از انتخابات، در پی جلب حداکثر مشارکت رأی دهندگان بودند، یقین داشتند که این بار نیز آرای مردم را همچون گذشته و با همان دسیسه ها، پشتوانه "مشروعیت" نظام خواهند کرد. اما اینبار و در این دوره کوتاه، جنب و جوش تازه ای در فضای سیاسی و اجتماعی، در محله ها و کوچه های شهرها، در همآیش های انتخاباتی و در فضای مجازی و صفحات رسانه های فردی و جمعی به وجود آمد و به خواست ها و مطالبات گروه های اجتماعی شکل و مضمون تازه ای بخشید و توانست آنها را از درون مجالس و محافل پراکنده به سطح مباحث اجتماعی فراگیر گسترش و انتشار دهد. شکلگیری و طرح مطالبات اجتماعی و سیاسی در این دوره در عین حال حاصل تلاش های پیگیر و مبارزات مدنی و صنفی دانشجویان، معلمان، روزنامه نگاران، روشنفکران معترض، کارگران و فعالان سندیکائی، گروه های قومی- ملی، فعالان حقوق بشر و به ویژه زنان بود که در قالب ائتلاف ها، هم اندیشی ها و کارزارهای اجتماعی، با درس گیری از تجارب گذشته و

بازاندیشی نسبت به نقش و جایگاه اجتماعی خود توانسته بودند با وجود هم‌سختی‌ها و سرکوب‌ها به خواست‌های مستقل خود بیانی اجتماعی ببخشند.

۳- بی‌کفایتی و شکست دولت نهم در برآوردن وعده‌های عدالت، همراه با اختناق روزافزون اجتماعی، سرکوب آزادی‌ها و حقوق شهروندی، حاکمیت انحصاری حلقه محارم رئیس‌جمهور و خودی‌های فاسد و بی‌کفایت و نیز قدرت گرفتن و سلطه نظامیان و سپاه پاسداران در امور سیاسی و اقتصادی کشور، حیف و میل بی‌حساب درآمدهای سرشار و بی‌سابقه نفت، بی‌برنامگی اقتصادی و حذف نهادهای حسابرسی و نظارت بر کار دولت، بحران سازی و انزوای بین‌المللی، ماجراجویی هسته‌ای و خطر محاصره و جنگ، زمینه‌های اصلی رویگردانی و به تنگ آمدن بیش از پیش مردم، به ویژه قشرهای متوسط شهری، از دولت احمدی نژاد و عملکرد آن در این دوره بودند.

۴- جنبش اعتراضی آغازین، که در خیابان‌ها زاده شده بود، در برابر سرسختی قدرت حاکم، هر روز و در هر رویداد تازه دوباره در خیابان‌ها، در ملاء عام، متولد میشد و گام تازه‌ای بر میداشت. این جنبش نه تنها توانست در همان لحظه‌های آغازین از محدودیت اجتماعی «بدنه انتخاباتی» و اعتراض‌بخش‌هایی از رأی‌دهندگان فراتر رود و همدردی و همبستگی شهروندی بسیار گسترده‌تری در درون ایران به گرد خود فراهم آورد، بلکه با ایستادگی بر سر احقاق حق جهانی‌ها، حق رأی، و با رد خشونت و نمایش و افشای قهر عریان کودتاگران، امواج بی‌نظیر و بی‌سابقه‌ای از همبستگی جهانی در اطراف خود آفرید.

این جنبش توانست «حق رأی» را که اساس مشروعیت فریب‌آمیز رژیم از آغاز استقرار بود به پرچم اعتراض و ایستادگی بدل کند و از این راه با بلند کردن فریاد حق خواهی، شکاف بی‌سابقه و ترمیم‌ناپذیری در ارکان سیاسی رژیم و در درون ساختار روحانیت نیز پدید آورد.

جنبش مدنی کنونی، به رغم تفاوت‌هایی که در درون آن پیرامون پروژه‌های سیاسی گوناگون وجود دارد، جنبشی است دموکراتیک که خواهان آزادی، حقوق شهروندی و مردم‌سالاری مرسوم در نظام‌های مدرن جهان کنونی است. بخش‌هایی از این جنبش، بخش‌های رادیکال و ساختارستیز آن، بویژه نزد دانشجویان و دانشگاہیان، گروه‌های فعال زنان و جوانان معترض، خواهان جدایی دولت و دین و پایان دادن به نظام دینی و ولایت فقیه بر مردم اند.

طرح شعار « جمهوری ایرانی » بعنوان یک بدیل در برابر جمهوری اسلامی بیش از هر چیز بیانگر خواست جمهوری عرفی و حاصل تجربه مستقیم خود مردم در جدالی روزمره با حاکمیت جمهوری اسلامی در هم‌جلوه‌های آن، به ویژه از دوران اصلاحات تا کنون است.

دلیل آنکه نوک پیکان جنبش کنونی، شخص خامنه‌ای و ولایت فقیه را نشانه رفته، جز این نیست که ولی فقیه و رئیس‌جمهور تحمیلی و سرداران نظامی - امنیتی‌اش در هر گام و در عمل به مردم می‌آموزند که تحقق حقوق اساسی و حق حاکمیت‌شان در نظام دینی ناممکن است.

۵- جنبش اعتراضی، از آغاز تا کنون، همواره آشکار نموده است که جنبشی است پرتنوع و متکثر. مردمانی که در آن شرکت کرده و می‌کنند، زنان، جوانان، دانشجویان و قشرهای معترضی که به خیابان‌ها آمده و می‌آیند، گوناگون و متفاوت اند و در موقعیت‌های طبقاتی، اجتماعی و فرهنگی مختلف به سر می‌برند، با خواست‌ها، امیدها و آرزوهایی گاه مشترک و گاه متمایز. جنبش سبز از درون پویشی رنگارنگ است. این چندگانگی جنبش را در وجود گرایش‌های مختلف سیاسی و فکری نیز مشاهده می‌کنیم: از طرفداران اصلاحات تدریجی و گام به گام با حفظ قانون اساسی جمهوری اسلامی تا هواداران نفی ساختاری نظام کنونی. ویژگی جنبش اعتراضی کنونی، تنها در گستردگی کم‌ی آن زیر شعار اصلی نفی دیکتاتوری نیست، بلکه در چندگانگی مضمونی، آرمانی و برنامه‌ای آن نیز هست. اما هم‌این صداهای چندگانه و رنگارنگ یک چیز را فریاد میکنند: تغییر وضع موجود.

۶- میر حسین موسوی و مهدی کروبی، از همان آغاز نیرنگ در انتخابات به افشای « کودتای انتخاباتی » و اعتراض به تقلب برخاستند و با پرده برداشتن از جنایت‌ها و تجاوزهای ارتجاع حاکم تا به امروز همراه جنبش بوده‌اند و در این راه با وجود همه مخاطرات و فشارها ایستادگی کرده‌اند. اکنون بعد از گذشت هشت ماه، با وضعیت متناقضی روبرو هستند. آنان، از یکسو، به جنبش سبز متکی و حتی در پناه آن هستند و از سوی دیگر، جهت‌گیری رادیکال جنبش اعتراضی در برابر سرسختی خامنه‌ای و ارتجاع حاکم با مواضع و مطالبات آنان فاصله گرفته است. نه بازگشت به اسطور [دروغین اوان] انقلاب و نه از سرگیری روند ناکام ماند [اصلاحات از بالا هیچیک اهداف اصلی جنبش را که برقراری آزادی‌های بنیادین و نهادهای دموکراتیک ضامن آنهاست، برآورده نخواهد کرد.

۷- جنبش جمهوری خواهان دموکرات و لائیک ایران خود را بخشی جدائی

ناپذیر از جنبش اعتراضی کنونی می‌داند. ما همراه جنبش اعتراضی و همبسته با آن در مقابله با نظام جمهوری اسلامی، در نفی دیکتاتوری و استبداد و در دفاع از آزادی‌های اساسی، حقوق بشر و شهروندی هستیم. ما ضمن پشتیبانی مداوم از خواست‌های برحق جنبش بر این باوریم که رعایت و احترام به تکثر درونی و اصول دموکراتیک، شرط مراقبت از وحدت این جنبش در برابر ارتجاع است و تنها در چارچوب چنین مناسبات و فضائی است که نقد کاستی‌های جنبش و خطراتی که آنرا تهدید می‌کند، به بیداری و غنای درونی آن یاری می‌رساند.

خصلت مسالمت‌جوی جنبش ۲۲ خرداد ایجاب می‌کند که در مبارزه برای وادار کردن ارتجاع به عقب‌نشینی و نوشاندن جام زهر حقوق مردم به سران استبداد، بر شیوه مسالمت‌آمیز به عنوان مطلوب‌ترین راه انتقال قدرت به مردم، تأکید گردد. اما در صورت مسدود ماندن هرگونه راه مسالمت‌آمیز، قیام علیه جبریت حق انکارناپذیر مردم است.

ما خواهان برقراری جمهوری مبتنی بر آزادی، دموکراسی، عدالت اجتماعی و جدائی دین و دولت هستیم. وسیله نهائی و دموکراتیک برآوردن این خواست، تشکیل مجلس مؤسسان از طریق انتخابات آزاد به منظور تدوین قانون اساسی جدید است. تحقق این فراخوان، در عمل و در میدان واقعیت اجتماعی، بی‌تردید به توازن قوا میان نیروهای درگیر بستگی دارد. از همین رو تداوم جنبش کنونی، کمک به زنده نگه داشتن آن و پیوند آن با جنبش‌های اجتماعی، نقش بسزائی در شکستن مقاومت و تعرض نیروهای واپس‌گرای حافظ نظام کنونی خواهد داشت. پیشبرد این مبارزه طولانی در گرو همگرایی همه نیروهای آزادیخواه و دموکرات می‌باشد. جنبش جمهوری خواهان دموکرات و لائیک به سهم خود در این راه با تمام توان خواهد کوشید.

یکشنبه ۹ اسفند ۱۳۸۸ برابر با ۲۸ فوریه ۲۰۱۰